**بسم الله الرحمن الرحیم**

**حجیت قطع**

**علم اجمالی**

**جلسه یازدهم\_ شنبه 6 آبان 1396**

مرحوم آخوند اعلی الله مقامه الشریف و به تبع ایشان دیگر از محققین، بحث علم اجمالی را در دو جای اصول مطرح می کنند، یکی در پایان مباحث مربوط به قطع و یکی هم در مباحث برائت، حق هم همین است، چون إن شاء الله خواهیم گفت دو جهت بحث است در علم اجمالی که یک جهت مربوط است به قطع، و باید اینجا مطرح بشود، یک جهت مربوط به مسائل برائت.

اما کلام فعلا با تقسیم بندی که خواهد شد در دو مقام است:

اینکه آیا علم اجمالی می تواند، تکلیفی را ثابت کند و منجز. مثل قطع تفصیلی، مثل قطع تفصیلی آیا تکلیف به وسیلۀ اجمالی ثابت و منجز می شود یا نه؟ مقام دوم بحث، اگر مکلف امتثال کرد، امتثالاً اجمالیا، لا امتثالا تفصیلیا، آیا این امتثال اجمالی تکلیف را ساقط می کند. پس یحث مقام اول ثبوت تکلیف است و مقام دوم سقوط در اثر امتثال اجمالی.

البته امتثال اجمالی بعضی جاها ممکن نیست. هر جا که امتثال تفصیلی ممکن است، این سوال پیش میاد که آیا امتثال اجمالی مسقط تکلیف هست یا نیست. پس معلوم میشود که جاهایی داریم که امتثال تفصیلی ممکن نیست مثل دوران امر بین المحذورین. آنجا که می شود امتثال تفصیلی انجام داد آیا امتثال اجمالی مسقط تکلیف هست یا نه؟ مثال من نمی دانم نماز را باید در شرایط الانم قصر بخوانم یا تمام؟ می توانم تحقیق کنم که وظیفه ام قصریات یا تمام. نمی روم وظیفه را تعیین کنم، هر دو را می خوانم. حال در چنین جایی امتثال اجمالی مسقط تکلیف هست یا نیست؟

متمکن بودم از تعیین قبله، اما آمدم به یکی از دو جهت یا به دو جهت نماز خواندم که میدانم یکی از این ها طرف قبله است ایا امتثال تفصیلی ممکن است آیا امتثال اجمالی صحیح است؟ این می شود بحثث دوم.

اما مقام اول که خودش دو جهت بحث دارد:

1. آیا علم اجمالی نسبت به موافقت قطعیه، منجزیت دارد یا ندارد؟ یعنی آیا مثل قطع علم اجمالی می گوید باید موافقت قطعیه کنی و حق نداری، در یکی از اطراف علم اجمالی اصل جاری کنی، اگر شبهه شبهۀ وجوبیه است باید جمیع اطراف را بیاوری. نمی دانم من وظیفه ام نماز تمام است یا قصر. باید هر دو را بیارم و در شبهۀ تحریمیه هم باید از هر دو طرف اجتناب کنم. نمی دانم یا این آب است و این شراب یا برعکس باید از هر دو اجتناب کنم و امتثال قطعی رخ دهد.
2. آیا علم اجمالی این قدرت را دارد که مخالفت قطعیه را حرام کند، آیا علم اجمالی چون درش یک نوع شک و تردید هست، این قدرت را دارد که بگوید مخالفت قطعیه حرام نیست یا می گوید مخالفت قطیه حرام است چون علم است.

اگر کسی گفت مخالفت قطعیه حرام است پس در مجموع نمی داند اصالت اجرا کند اما در بعض می تواند اصالت البرائت اجرا کند.

بحث در جهت اول که آیا موافقت قطعیه از علم اجمالی بر می خیزد یا نه؟ این مربوط به برائت می شود چون می خواهید بگویید ما در یک طرف اصل برائت اجرا می کنیم.

آیا همانطور که در شبهه بدویه اصل برائت جاری می کنند در شبه مقرون به علم اجمالی هم اصل برائت جاری است یا نه؟

اما بحث از جهت دوم که علم اجمالی یگوید مخالفت قطعیه حرام است چون علم و قطع است، مربوط به مباحث قطع است و لذا این جا این بحث را مطر ح می کنیم.

حال ما بیاییم سراغ همین جهت دوم که مربوط به ما نحن فیه شد.

در اینجا باز سوالاتی مطرح است؛ سوال اساسی اولی که داریم این است که آیا عقل در باب اطاعت و عصیان فرقی بین علم تفصیلی با علم اجمالی میگذارد یا نه در تنجز تکلیف. به عبارة اخری آیا این که می گویید تکلیف باید واصل شود به مکلف. مراد از وصول تفصیلی است یا وصول اجمالی هم کافی است. به عبارت سوم آیا علم اجمالی بیان است تا دیگر قاعدۀ قبح عقاب بلا بیان جاری نشود مثل علم تفصیلی که بیان است؟ یا نه علم اجمالی بیان نیست، چون بیان نیست قاعدۀ قبح عقاب بلا بیان جاری است.

ممکن است کسی پاسخ به این سوال را اینگونه بدهد که وقتی تو مشغول عملی هستی اگر در همان حال عالم هستی به مخالفت مولا. این عصیان است. اما اگر در حین عمل علم به مخالفت با مولا نداری، کار تو معصیت نیست. من بعد از انجام دو طرف می فهم که عصیان کردم این استحقاق عقاب ندارد.

با این معیار تنها علمی که مخالفت با آن علم استحقاق عقاب می آورد، علم تفصیلی است نه علم اجمالی. بله بعدا ممکن است من بفهم اشتباه کردم این اشکال ندارد.

ممکن است این به ذهن کسی بیاید ولی این جواب دارد:

ولی جواب این حرف واضح است، مهم این است که عقل می گوید ایا تکلیف به تو واصل شده است یا نه؟ من می دانم مولا، راضی به قتل فرزندش نیست. اما این اقایی که الان می خواهم بکشم این فرزند مولا هست یا نیست؟ نمی دانیم؟ آیا اگر او را کشتم استحقاق عقاب ندارم؟ آنجایی که مردد باشد بین دو نفر؟ من دو نفر را بکشم که یکی از آنها فرزند مولاست. این خلاف ارتکازات عقلائیه است. تکلبف باید واصل بشود که شده است. وقتی بین دو نفر یا دو ظرف مردد شدی و هر دو را مرتکب شدی و مولا تو را عقاب کرد، حق نداری بگویی عقاب من بلا بیان است. پس اینکه تکلیف واصل است ولی حین عمل نمی دانم ظرف اول خمر بود یا ظرف دوم.

سوال: علم اجمالی بیان است اما ایا شارع می تواند در اطراف علم اجمالی به من اجازه بدهد جمیع افراد را مخالفت بکنم در شبهه تحریمیه و در شبه وجوبیه هر دو طرف را ترک بکنم یا نه؟ یا نه همچنان که در قطع تفصیلی این معنا ندارد در قطع اجمالی این معنا ندارد. آیا مولا می تواند مکلف را در ارتکاب جمیع دستش را باز بگذارد.

جواب سوال به دو مبنا است:

آیا علم اجمالی نسبت به حرمت مخالفت قطعیه علت است علةً تامه یا مقتضی است؟

اگر علم اجمالی علت تامه حرمت مخالفت قطعیه باشد دیگر مولا نمی تواند ترخیص کند اما اگر علم اجمالی مقتضی برای حرمت بود شارع می تواند جلوی این اقتضا را بگیرد.

ما فعلا علی الحساب با کلام کفایه کار داریم.

از عبارت کفایه در این قسمت استفادۀ اقتضا می شود. یعنی علم اجمالی مقتضی حرمت است طبیعتا می تواند شارع اجازه مخالفت قطعیه بدهد در جمیع افراد علم اجمالی.

می فرماید چون علم اجمالی است و هنوز حکم واقعی برای من کشف نشده است. علم اجمالی کاشف است اما نه کاشف تام. در علم اجمالی مرتبه حکم ظاهری ماخوذ است یعنی چون هنوز یک شک هست، جای حکم ظاهری هست بر ثبوتا ترخیص در جمیع اطراف علم اجمالی مانعی ندارد.

حال آخوند می گوید نه تنها ممکن است بلکه عملا اتفاق هم افتاده است مثل شبۀ غیر محصوره. در شبهۀ غیر محصوره اکثر اصولیین می گویند جواز ارتکاب به همه اطراف. و هیچ مضادۀ بین آن حکم الله واقعی که حرمت اکل میته است با این حکم ظاهری که ترخیص است نیست، اگر بنا بود، بین این دو تا تعارض باشد، تضاد باشد نباید جواز ارتکاب در شبهۀ غیر محصوره فتوا بدهید. چون در شبهۀ غیر محصوره نظر جواز ارتکاب همه است این معلوم می شود با علم اجمالی مرتبه حکم ظاهری محفوظ است. چون مرتبه حکم ظاهری محفوظ است و چون کشف نشده است تمام الانکشاف پس اشکالی ندارد، شما یا بگویید در اطراف شبهه غیر محصوره نمی توان مخالفت قطعیه کرد یا اگر آن جا مخالفت قطعیه را جایز می دانند پس معلوم می شود علم اجمالی علت تامه نیست.

این بیان ساده کلام آقای اخوند. ببینیم این بیان مقدماتی دارد یا نه. مقدمات را باید بیان و نتیجه را با یک بیان دیگری بیان کنیم و بعد اشکالات را ببینیم به کلام ایشان وارد است یا نه؟

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**